

هفت وادی*

فریدالدین رادمهر

در ایام اقامت جمال اقدس ابهی در کردستان کثیری از عرفا، شیوخ و صنادید اهل عرفان و تصوف با آن حضرت انیس و جلیس بودند و آنچه آنان از ایشان طلبیدند حلّ غوامض مسائل عرفان اسلامی بود که قریب یک هزار و دوست سال قدمت داشت و نتیجه مجاهدات و مکاشفات و مشاهدات و تحقیقات عرفای بزرگی بود که میراثی قابل تأمل و درخور ستایش به صورت کتب و رسائل متعدّد و متنوع از خود باقی گذاشته بودند.

ایام اقامت حضرت بهاءالله در کردستان گرچه بر حسب مدّت کوتاه بود ولی تأثیراتش در برخی از آثار مبارک به خوبی مشهود است و بررسی آنها مدّتی مدید می‌طلبد. از جمله آثار جمال مبارک که بعد از ایام کردستان نازل شد و عمیقاً بر عرفان اسلامی نظر دارد رساله هفت وادی در سیر و سلوک عرفانی است.

در این مقاله رساله هفت وادی از جنبه‌های ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد: وجه تسمیه، سبک سخن، محلّ و زمان نزول و مخاطب، شأن نزول و مقام، محتوا، نظر مؤلفین بهائی، مکاتب مطروحه و ذکر عرفا.

نام این اثر بعد از نزول، رساله سلوک بوده و سپس نزد احبّا به هفت وادی مشهور شده است. در اثری از مرکز میثاق آمده است: «هفت وادی به جهت سیر و سلوک نازل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب... درویشی که از قلم اعلیٰ تحریر یافت معنیش فحوای رساله سلوک است و بسیار مقبول.»^۱ مولای توانا در ذکر وقایع سلیمانیه و بغداد از حیات جمال ابهی، مرقوم فرموده‌اند: «کتاب مستطاب ایقان و صحیفه فاطمیه و رساله سلوک متتابعاً از قلم اعلیٰ جاری گشت و مراتب سلوک سالکین معلوم و واضح شد.»^۲

جناب اشراق‌خاوری با استناد به همین توقیع از حضرت ولیّ امرالله رساله سلوک را همان هفت وادی معرّفی فرموده‌اند.^۳ نام هفت وادی چنان که از نصّ حضرت عبدالبهاء در فوق مشهود است از همان ایام نزد احباب متداول بوده و حضرت ولیّ امرالله عنوان آن را به *Seven Valleys* ترجمه و به احبّای غرب معرّفی نموده‌اند.

جالب توجه است که رساله سلوک نام اثری از حضرت اعلیٰ نیز بوده که به تحقیق جناب فاضل مازندرانی اولین اثر هیکل اطهر قبل از اظهار امر حضرتش محسوب می‌گردد.^۴ از سید کاظم رشتی نیز به همین نام یعنی رساله سلوک متنی موجود است که به وسیله حسین بن علیّ التّبریزی الخسرو شاهی ترجمه شده است.^۵

ب - سبک سخن

حضرت ولیّ امرالله هفت وادی را در ادامه نزول الواح و آثار نازله در ایام اقامت در کردستان منظور داشته‌اند:

«این اذکار و اوراد که متأسفانه کثیری از آن را حوادث زمان از بین برده و از بدایع آثار ایام عزلت و هجرت جمال مختار است... اولین ظهورات قلم ابهی و نخستین رشحات طمطام یمّ قدرت سلطان جبروت بقا را تشکیل می‌دهد و کلّ بنفسه مقدّمه نزول کتب مهیمه و صحائف بدیعه منیعۀ ایقان و کلمات مکتونه و هفت وادی است که بعداً در سنین اقامت بغداد قبل از اظهار جهری امر اعزّ ابهی از مخزن قلم اعلیٰ صادر...»^۶

جناب فاضل مازندرانی نیز هفت وادی را بر سبک آثار نازله در کردستان یاد نموده‌اند:

«و آن حضرت در آن مدّت [سلیمانیه] به شهرت درویش محمّد ایرانی در آن حدود مشهور گردید و آناری به فارسی و عربی منثور و منظوم حسب خواهش عرفاء منتشر ساخت و صور مناجات‌های پرحلاوتی صدور یافت و سواد نامه‌های آنان که فارسی عرفانی مخلوط، از نظم و

نثر به غایت فصیح می باشد متداول نزد آنان گردید و بر همان وتیره بعداً رساله معروف هفت وادی در جواب شیخ محیی الدین قاضی خانقین در بیان مراتب سیر و سلوک صادر شد.^۷

ج - محلّ نزول

حضرت ولیّ امرالله محلّ نزول هفت وادی را بغداد دانسته اند^۸ و غالب مؤلفین بهائی نیز به این قول استناد جسته اند.^۹

د - زمان نزول

ظاهراً زمان دقیق نزول هفت وادی را نمی توان معین کرد چه بر طبق هدایات حضرت ولیّ امرالله، هفت وادی بعد از مراجعت حضرت بهاءالله از کردستان (۱۲۷۲ هـ ق) و قبل از اظهار امرعلنی (۱۲۷۹ هـ ق) نازل شده،^{۱۰} یعنی در سنوات بین ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۹ هـ ق، اما در متن هفت وادی اشاره ای موجود است که می توان بدان استناد جست تا زمان نزول اثر را دریافت. در این صورت زمان نزول آن دقیقاً در سال ۱۲۷۶ هـ ق می باشد.

ه - مخاطب

آثاری که در سلیمانیه نازل شده و بر سبک و سیاق عرفانی موجود است مخاطبینی دارد که اغلب شیوخ و عرفای صوفی مشرب و مجالس و معاشر هیکل اطهر در سلیمانیه می باشند^{۱۱} و هفت وادی نیز از این قاعده مستثنی نیست. محیی الدین قاضی خانقین، از اعظم مشایخ اهل تصوف در کردستان، بنا بر تصریح حضرت ولیّ امرالله مخاطب هفت وادی است^{۱۲} و جناب فاضل مازندرانی و محققین دیگر نیز همین را عنوان نموده اند.^{۱۳} محیی الدین کرکوکلی مذکور از مشایخ فرقه قادریه بوده و سلسله طریقتش چنین است:

«سید محیی الدین کرکوکلی، شیخ محمد صادق، شیخ محمد قاسم، شیخ عبدالفتاح سیاح، شیخ محمد غریب الله، شیخ عبدالرزاق، شیخ اعظم قطب ربّانی عبدالقادر گیلانی، شیخ ابوسعید المخزومی، شیخ علی هکاری، شیخ ابوالفرج طرطوسی، شیخ عبدالواحد یمانی و شیخ ابوبکر شبلی، جنید بغدادی، سری سقطی، معروف کرخی، داودی طامی، حبیب عجمی، حسن بصری و اسدالله الغالب علی بن ابی طالب و محمد المصطفی (ص).»^{۱۴}

شرح حال کامل محیی الدین کرکوکلی را می توان در تذکرةهای شیوخ کردستان جست.^{۱۵} وی طریقه قادریه را پیرو و تابع بود، طریقتی که منسوب به عبدالقادر گیلانی (متوفی ۴۷۰ یا ۴۷۱ هـ ق)

طریقهٔ قادریه در آثار بهائی مذکور است چنان که در لوح اتحاد ذکر و در لوحی دیگر چنین آمده:

«بعضی از ناس ادعای شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و می‌نمایند. کاش دارالسلام می‌رفتند، در تکیهٔ قادریه ملاحظه می‌نمودند و متنبه می‌شدند. ای علی، جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحقی مشاهده شد نفسی از آن نفوس زیاده از اربع ساعات متصلاً خود را به حجر و مدر و جدار می‌زد که بیم هلاک بود. بعد منصعباً بر ارض می‌افتاد و مقدار دو ساعت ابدأ شعور نداشت و این امور را از کرامات می‌شمرند. ان الله بریء منهم و نحن براء ان ربك لهو العليم الخبير.»^{۱۷}

و - شأن نزول

آن طور که مسلم است مکاتبات عرفا و مشایخ کردستان با جمال ابهی بعد از دوران سلیمانیه مستدام بوده و در همین مکاتبات محیی‌الدین مزبور اسئله‌ای چند به حضور هیکل مبارک تقدیم و تقاضای جواب نموده است. چنان که فاضل مازندرانی می‌گوید: «رسالهٔ معروف هفت وادی در جواب شیخ محیی‌الدین قاضی خانقین در بیان مراتب سیر و سلوک صادر شد.»^{۱۸}

در متن هفت وادی اشاراتی مدل بر این حقیقت می‌توان یافت چنان که نص ذیل به مکاتبات محیی‌الدین با جمال ابهی اشاره می‌نماید: «و بعد قد سمعت ما غنت و رقاء العرفان علی افنان سدره فؤادک و عرفت ما غزدت حمامة الایقان علی اغصان شجرة قلبک کانی وجدت روائح الطیب من قمیص حبک و ادرکت تمام لفانک فی ملاحظه کتابک...»^{۱۹}

در موردی دیگر خطاب به مخاطب لوح چنین مرقوم: «ای عزیز، نفس را فقیر نما تا در عرصهٔ بلند غنا وارد شوی و جسد را ذلیل کن تا از شریعهٔ عزت بیاشامی و به جمیع معانی اشعار که سؤال فرمودی برسی.»^{۲۰}

چنان که معلوم است شیخ محیی‌الدین اشعاری از جمال قدم سؤال و از معنی آن استفسار جسته که هفت وادی در جواب آن نازل شده. در موردی دیگر می‌فرمایند: «هرچه از بیانات این بنده مفهوم نشود و تزلزلی احداث کند باید مجدّد سؤال شود تا شبهه نماند و مقصود چون طلعت محبوب از مقام محمود ظاهر گردد.»^{۲۱}

اگرچه نام رسالهٔ سؤالیهٔ محیی‌الدین جواهر الاسرار است ولی ذکر این مطلب که محیی‌الدین چه اشعاری از جمال قدم سؤال نموده و فهمیدن آن، بسیار صعب و دشوار است، مگر آنکه مبتنی بر ظن و گمان باشد. در این صورت شاید اشعاری که او سؤال نموده از مقامات الطیور یا منطق الطیر بوده،

چه که هفت وادی بر اساس مطالب مثنوی فوق الذکر عطار ترقیم و تحریری نو یافته است.

ز - مقام

شاید نتوان بین الواح به تعبیری از قبیل مهمم و اهمم تفاوت قائل شد چه اصولاً مقام کلام حق متفاوت از کلام و بیان بشری، در حیطه و حیزی کاملاً متمایز نهفته و شکل یافته و نص مبارک ذیل از حضرت اعلیٰ مبین این حقیقت است، قوله الاحلی:

«هیچ لذتی اعظم تر در امکان خلق نشده که کسی استماع نماید آیات آن را و بفهمد مراد آن را و لم و بم در حق کلمات آن نگوید و مقایسه با کلام غیر او نکند، همین قسم که کینونیت او مظهر الوهیت و ربوبیت است بر کل شیء، همین قسم کلام او مظهر الوهیت و ربوبیت است بر کل کلامها...»^{۲۲}

و از جمال قدم عین همین نص در کتاب بدیع آمده است.^{۲۳} علی هذا شاید خطا باشد تقدّم و ارجحیت در میان آثار مبارکه قائل شد مگر آنکه حق بنفسه بنا بر برخی ملاحظات الواحی را بر الواح دیگری مقدّم دارد چنان که حضرت ولی امرالله بدین مهمم پرداخته‌اند. در این صورت جایگاه هفت وادی در مقایسه با کتاب ایقان و کلمات مکنونه، بعد از آنها واقع می‌شود، قوله الاعلیٰ:

«به این دو سفر عظیم و کتاب کریم [ایقان و کلمات مکنونه] که ناسخ صحف و زبر اولین است و در بین آثار قیمه شارح مقدّس این دور اعظم، اولی از لحاظ بیان مبادی و حقایق الهیه و ثانوی از نظر شمول معانی و دقائق اخلاقیه دارای مقامی ممتاز و رتبی بس رفیع و ارجمند است باید رساله هفت وادی را که معدن رموز و اسرار لطیفه و گنجینه لآلی و ذخائر احدیه محسوب و در همان اوان در جواب اسئله شیخ محیی الدین قاضی خانقین نازل گشته علاوه نمود...»^{۲۴}

ح - محتوا

اساسی‌ترین بحث در متن هفت وادی ذکر هفت وادی مراحل سیر و سلوک عرفانی است. به غیر از هفت وادی، جمال قدم در همان دوران در اثری دیگر یعنی جواهر الاسرار شرح مفصل همین مراتب هفتگانه را تشریح فرموده‌اند. مخاطب جواهر الاسرار بنا بر توضیحات متعدّد جناب اشراق‌خاوری سید محمد مجتهد از شاگردان و تلامذه شیخ مرتضی انصاری بوده است،^{۲۵} در صورتی که به عقیده فاضل مازندرانی مخاطب آن سید یوسف سدهی اصفهانی ساکن کربلا می‌باشد.^{۲۶} به هر تقدیر بیش از دو ثلث از جواهر الاسرار نیز در ذکر مراتب هفت وادی می‌باشد، اما بین ترتیب وادی‌ها در دو متن جمال قدم اختلاف موجود است. از آن گذشته، هفت مقامی که عطار

مصطلحات عرفانی نیکلسون	هفت وادی ترجمه انگلیسی	منطق الطیر عطار	جواهر الاسرار حضرت بهاء الله	هفت وادی حضرت بهاء الله
Seeking of God	Search	طلب (۱۸۰)	طلب (۳۲)	طلب (۹۶)
Love	Love	عشق (۱۸۶)	عشق (۳۳)	عشق (۹۹)
Gnosis	Knowledge	معرفت (۱۹۴)	-	معرفت (۱۰۲)
Unification	Unity	استغناء (۲۰۰)	توحید (۳۵)	توحید (۱۰۹)
Contentment	Contentment	توحید (۲۰۶)	حیرت (۷۶)	استغناء (۱۲۲)
Strangement	Wonderment	حیرت (۲۱۲)	فناء فی الله (۷۹)	حیرت (۱۲۴)
Annihilation	True Poverty and Absolute Nothingness	فنا و فقر (۲۱۹)	استغناء (۸۱)	فقر فناء فی الله و بقاء بالله (۱۲۹)

در منطق الطیر^{۲۷} یاد نموده است با آنچه جمال قدم در هفت وادی ذکر فرموده‌اند علی‌رغم آنکه در اصول و اهم مطالب اتحاد دارد، در موارد جزئی که از آن جمله ترتیب وادی‌ها است، مختلف می‌باشد. طبق جدول بالا بین سه متن هفت وادی و جواهر الاسرار^{۲۸} و منطق الطیر، ترتیب هفت وادی و منازل هفتگانه دقیقاً معلوم شده، اعداد موجود ذکر صفحات متون است. در جدول به عبارات ترجمه انگلیسی هفت وادی توسط علی‌قلی خان (نبیل‌الدوله) و نیز ترجمه مصطلحات عرفانی و اختلاف این دو نیز اشاره شده است. چنان که ملاحظه می‌شود در جواهر الاسرار وادی معرفت مذکور نشده و بقیه وادی‌ها نیز به ایماء و اشاره یادگشته و این مهم در نفس لوح نیز موجود، چنان که فرموده‌اند: «ما وجدنا الفرصة و ما شهدنا المهلة من هذا المسافر الذي جاء من عندكم و كان عجولاً في الامر و راکضاً في الحكم لذا قد اقتصرنا و اکتفينا و ما اتمنا ذکر الاسفار بتمامها و ما ينبغي لها و يليق بها بل ترکنا ذکر مدائن الكبرى و اسفار العظمى...»^{۲۹}

آنچه مسلم است آن است که ترتیب وادی‌ها و اختلاف آنها با هم نشان از آن دارد که این مراحل روحانی بوده، بنا بر این سفر روح محسوب است و تقدم و تأخر آنها از جهت زمانی نبوده چنان که صریح بیان است از جمال قدم: «پس باید به نار عشق حجاب‌های نفس شیطانی سوخته شود تا روح برای ادراک مراتب سید لولاک لطیف و پاکیزه گردد.»^{۳۰} و در جایی دیگر: «و این اسفار که آن را در عالم زمان انتهائی پدید نیست...»^{۳۱}

این امر در نزد محققین اسلامی نیز مورد بحث و تحقیق واقع شده چنان که مرحوم فروزانفر در بحث تحلیلی خود از منطق الطیر عطار می‌نویسد:

«باید دانست که وادی در اصطلاح صوفیان به معنی راه صعب و منزل خطرناک است و بدین

جهت نظر ایشان بر حسب احوال خود در شماره اودیه مختلف افتاده است چنان که عبدالله انصاری آنها را در منازل السائرین عبارت از ده وادی: احسان، علم، حکمت، بصیرت، فراست، تعظیم، الهام، سکینه، طمأنینه، همت گرفته و مجموع منازل را که به نظر وی صد منزل است مشتمل بر هزار مقام، نیز صد میدان نامیده است و بنا بر این وادی اسمی است عام که حقیقت و عدّه آن به حسب نظر و درجه شهود متصوّفه مختلف می‌گردد و شیخ عطار نیز بدین جهت عدّه آنها را پنج یا هفت می‌آورد، علاوه بر آنکه گفته شیخ در مصیبت‌نامه ناظر است به مراتب ادراک یا مدرکات انسانی که در حقیقت شتون و اطوار روح است از جهت نزول تا ادراک مقید حسّی و از جهت صعود تا درجه نامحدود و لطیف روحانی و منظور وی در منطق الطّیر بیان احوال و تحولات باطن سالک است مانند طلب و حیرت و بعضی صفت مطلوب است مانند استغناء که به اعتبار ظهور و شهود آن از منازل سلوک شمرده می‌شود و از آن میان معرفت و عشق صفت مشترک است و از این رو میان سخنان شیخ ما در منطق الطّیر و مصیبت‌نامه اختلاف و تناقضی وجود ندارد.^{۳۲}

لذا در شروع آیه بدین مهمّ پرداخته خواهد شد. نکته دیگر که از جدول فوق‌الذکر برمی‌آید آن است که در متون آثار جمال قدم بیشترین توضیحات در باره وادی توحید است. در جواهر الاسرار در حدود ۳۵ صفحه و در هفت وادی حدود ۱۳ صفحه در باره وادی توحید حقائق گفته شده که خود حکایت از مراتب مهمّ توحید دارد.

ط - مؤلفین بهائی و هفت وادی

تاکنون مقالات متعدّدی در باب هفت وادی جمال ابهی از طرف محققین و مطلعین طرح و بحث شده، جناب ادیب طاهرزاده و آقای رابرت مک‌گیولیک (MacGuilic) معرفی مختصری نموده‌اند.^{۳۳} از قدام شرح بسیار مطوّل در خصوص هفت وادی به شکل نظم طبع شده و مقدمه آن به قلم جمشید فنائیان موجود است.^{۳۴} با مطالعه دقیق این اثر و مقایسه با متن هفت وادی می‌توان دریافت که ایشان کلمات و مندرجات آن را به صورت منظوم درآورده و برخی از ملاحظات و دریافت‌های عمیقانه خود را نیز به مناسبت ذکر نموده است.

ی - مکاتب مطروحه

آنچه در لوح هفت وادی به صورت استنادات و شروح، اشارات و لطایف عقاید از قلم اعزّ ابهی عزّ نزول یافته متوجّه به سه مکتب از عقاید مهمّه مذاهب اسلامی بوده. اول مکتبی است که فریدالدین عطار نماینده آن بوده و عنایت جمال ابهی در نزول هفت وادی این امر را تأیید می‌کند؛

مکتبی که سنائی، غزالی و حلاج در تکوین آن سهیم بوده‌اند و مبتنی بر عشق و ذوق و شور و سکر است؛ فضیل عیاض و جنید بغدادی از علمداران آن محسوب و می‌توان به نام عرفان کلاسیک یا عرفان عملی از آن یاد نمود. دوّم مکتبی است که با ظهور محیی‌الدین ابن عربی به وجود آمد و با آنکه او خود را بی‌نیاز از مکتب اوّل نمی‌دانسته اما عقاید مهمّ او تا ظهور شیخ احمد احسانی سایه سنگینی بر عقاید بزرگ‌ترین محقّقین بعد از محیی‌الدین ابن عربی افکنده است. سید حیدر آملی، قنوی، ملا صدرا و فیض کاشی همگی از او متأثر شدند. این مکتب را می‌توان وحدت وجودی یا عرفان نظری^{۳۵} نام داد. سوّم مکتب شیخیّه است که توسط شیخ احمد و سید کاظم عنوان گردیده و تحولات عجیبه توسط آن دو در عقاید رائج به وجود آمده است. لهذا ذکر وجوه متعدّدی از این تأثیرات در هفت وادی خصوصاً، و سایر الواح و آثار عموماً، در نزد ارباب خرد مسأله اقتباس و اخذ و علوم اکتسابی نبوده و نیست چه جمال ابهی بنفسه در هفت وادی بر این اوهام و ظنون خطّ بطلان رقم فرموده‌اند، قوله الاتم:

«همچنین بسیار بیانات از عرفا و حکمای قبل هست که بنده متعرض نشدم و دوست ندارم که اذکار قبل بسیار اظهار شود زیرا که اقوال غیر را ذکر نمودن دلیل است بر علوم کسبی نه بر موهبت الهی و لکن این قدر هم که ذکر شد به واسطه عادت ناس است و تأسی به اصحاب و علاوه بر این درین رساله این بیانات نگنجد و عدم اقبال به ذکر اقوال ایشان نه از غرور است بل به واسطه ظهور حکمت و تجلّی موهبت است.

گر خضر در بحر کشتی را شکست صد درستی در شکست خضر هست»^{۳۶}

اینکه جمال ابهی در سراسر هفت وادی در بیان حقائق، از عرفا یاد و از اقوالشان به تصریح یا تلویح ابلغ از تصریح نقل فرموده‌اند مشعر بر آن است که در این ظهور آنچه از قدما در ادراک حقائق به عمل آمده اگر قرین صواب باشد ممدوح و مقبول، و وهمیات و ظنونات و انحرافات مردود و مخذول گردیده تا اهل بهاء حقّ را از باطل تمیز دهند. لذا می‌توان دریافت که رساله هفت وادی میزان اتمّ است برای آنچه از معارف بشری قریب به هزار و دویست سال ساخته و پرداخته شده، که کدام صحیح و کدام از طریق صواب تحریف گشته است و مبتنی بر این میزان باید عرفای بهائی به تکرار مکررات نپردازند و در تعالی و تکوین میراث قدما قدم بردارند و به این اقدام، حقّ خود را به قدما ادا نمایند.

ه - ذکر عرفا

از صناید اهل عرفان و تصوّف و حکمای ربّانی در دور اسلام در هفت وادی بسیار یاد شده. اشعاری از مولانا جلال الدین و الدّینا رومی، سنائی، عطّار، سعدی، ابن فارض، هاتف و حلاج،

اقوالی از ابن عربی، غزالی، سید حیدر آملی و اشاراتی ملیح بر مهم‌ترین عقاید عرفای سابق در هفت وادی مندمج است.

یادداشت‌ها

- * این مقاله از مقدمه رساله‌ای که نویسنده تحت عنوان سیر و سلوک در رساله سلوک تألیف کرده‌اند اقتباس شده است (سفینه عرفان).
- ۱- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار، ج ۳، صص ۲۴۲-۲۴۴.
 - ۲- حضرت ولی امرالله، توقع نوروز ۱۰۱ بدیع، ص ۳۲.
 - ۳- عبدالحمید اشراق خاوری، رحیق مختوم، ج ۱، ص ۶۳۴.
 - ۴- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار، ج ۴، ص ۱۵۸ به بعد ذیل کلمه "سلوک".
 - ۵- رک ضمیمه اصول عقاید - رساله سلوک.
 - ۶- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، ج ۲، صص ۹۳-۹۴.
 - ۷- اسدالله فاضل مازندرانی، رهبران و رهروان، ج ۲، صص ۴۹۶-۴۹۷.
 - ۸- کتاب قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۵۳.
 - ۹- رک اشراق خاوری، رحیق مختوم، ج ۱، ص ۶۳۴ و ایضاً، گنج شایگان، ص ۱۷.
 - ۱۰- رک مآخذ مذکور ذیل یادداشت‌های ۹ و ۱۰.
 - ۱۱- رک به مخاطبین قصیده عز ورفاتی (در ورفاتی - تائیه) یا مثنوی مبارک (در گنج شایگان و تصحیح آن از راقم سطور) یا چهار وادی یا هفت وادی.
 - ۱۲- کتاب قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۵۳.
 - ۱۳- فاضل مازندرانی، رهبران و رهروان، ج ۲، ص ۴۹۷؛ اشراق خاوری، گنج شایگان، صص ۱۷-۱۸، ایضاً، رحیق مختوم، ج ۱، ص ۶۳۴.
 - ۱۴- تاریخ تصوف در کردستان، صص ۱۵۶-۱۵۷.
 - ۱۵- تاریخ السلیمانیة و انحائها، ص ۱۶۸ به بعد.
 - ۱۶- تاریخ تصوف در کردستان، ص ۱۷.
 - ۱۷- فاضل مازندرانی، اسرار الآثار، ج ۴، ص ۴۶۲، ذیل کلمه "قادریه".
 - ۱۸- رک یادداشت شماره ۱۴.
 - ۱۹- حضرت بهاءالله، آثار قلم اعلی، ج ۳، صص ۹۳-۹۴. از این به بعد منظور از هفت وادی همین آثار قلم اعلی، ج ۳ می‌باشد که شامل هفت وادی می‌باشد و صفحات آن نیز به همین کتاب اشاره دارد.
 - ۲۰- هفت وادی، ص ۱۲۱.
 - ۲۱- همان مآخذ، صص ۱۳۳-۱۳۴.
 - ۲۲- حضرت اعلی، بیان فارسی، واحد ۷، باب ۱۱، صص ۲۵۳-۲۵۴.
 - ۲۳- حضرت بهاءالله، کتاب بدیع، ص ۱۴۵.
 - ۲۴- کتاب قرن بدیع، ج ۲، صص ۱۵۳-۱۵۴.
 - ۲۵- گنج شایگان، صص ۲۷ و ۲۸ و نیز قاموس ایقان، ج ۱، ص ۳۵۸.
 - ۲۶- رهبران و رهروان، ج ۲، ص ۵۰۱.
 - ۲۷- منطلق الطیر یا مقامات الطیور، ص ۱۸۰ به بعد.

- ۲۸- جواهر الاسرار مندرج در آثار قلم اعلیٰ، ج ۳، صص ۴-۸۸.
- ۲۹- همان مأخذ، صص ۸۷-۸۸.
- ۳۰- هفت وادی، ص ۱۰۲.
- ۳۱- همان مأخذ، ص ۱۳۴.
- ۳۲- بدیع الزمان فروزانفر، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار، ص ۳۱۸.
- ۳۳- این مقالات در مجله آهنگ بدیع طبع و ترجمه شده است.
- ۳۴- رک مجمع الاسرار جنون، ص ۱ به بعد.
- ۳۵- تقسیم عرفان به نظری و عملی اگرچه نزد بسیاری از متفنین مورد قبول بوده اما خالی از تسامح نیست. رک جستجو در تصوف ایران و دنباله جستجو در تصوف ایران.
- ۳۶- هفت وادی، ص ۱۱۸.